پایان دورکاری و تغییر سبک اغذیه فروشی‌ها

یک لقمه دور از چشم کرونا

محمد معصومیان
گزارش نویس

در آستانه تولد دو سالگی ویروس کرونا با جامعه‌ای روبه‌رو هستیم که از دو سال پیش خود، مانند رؤیایی دور و دراز یاد می‌کند. روزگاری که می‌شد با خیال راحت روی صندلی لم داد و به ساندویچ کالباس گاز محکمی زد. فرقی هم نمی‌کرد کجا باشی؛ فروشگاهی، وسط راهروهای تنگ و شلوغ مترو یا فضای دربسته یک رستوران. ابتدای فصل سرما هم می‌شد از گاری سرچهارراه لبو یا باقالی داغ خرید و گوشه‌ای ایستاد و به آسمان بارانی خیره شد. بعد از همه‌گیری چه به روز این شغل‌ها آمده؟ مردم و فروشندگان در این وضعیت چه تغییری کردند؟ آن طور که خانم انواری صاحب یک ساندویچی در مترو می‌گوید: «شاید دیگر هیچ وقت مانند سابق نگذارم آشپزم بدون ماسک ساندویچ درست کند.»

مترو مفتح غذاخوری‌هایی دارد که در میانه روز صندلی‌های خالی فضای بیرونی آن توی ذوق می‌زند. اکبر تعریف می‌کند که همین دو سال پیش این ساعت‌ها جای خالی روی همین چند صندلی پیدا نمی‌شد. کارمندان موقع ظهر می‌آمدند و می‌رفتند اما حالا همه چیز به صورت بسته‌بندی در نایلون و کیسه‌های جدا دست مشتری‌ها می‌رسد. همین طور که حرف می‌زند، سفارش‌ها را با پیک موتوری هماهنگ می‌کند و ۱۰ نایلون پر از ساندویچ به آدرس‌های مختلف می‌فرستد: «دیگر به این وضعیت عادت کردیم، روزی دوبار ماسک عوض می‌کنیم و چهاربار دستکش. به خرج‌های ما این ریزخرج‌ها هم اضافه شده است.» اکبر تقریباً ۶ سالی است در این فروشگاه ساندویچی کارمند صاحب مغازه‌ای است که حالا حضور ندارد. او خدا را شاکر است که لااقل غذا نمی‌تواند ناقل ویروس باشد وگرنه باید در مغازه را می‌بست و مثل خیلی از دوستانش بی کار می‌شد.

کمی آن سوتر نمایندگی ساندویچی قدیمی دیگری است. داخل سالن کوچک فروشگاه خانم انواری صاحب فروشگاه نشسته پشت میز و ۲ صندوقدار خانم مشغول سفارش گرفتن هستند. انواری از روزهای اول شیوع می‌گوید که مجبور شدند کرکره را پایین بکشند و بعد از آن مشتری‌هایشان به خاطر محدودیت‌ها کم شد: «آن موقع‌ها اصلاً مشتری داخل سالن قبول نمی‌کردیم الان هم مردم خیلی میلی به داخل نشستن ندارند اما این مدت تأثیرات زیادی روی مدل کاسبی ما گذاشت. الان من نمی‌گذارم یک لحظه آشپزم بدون ماسک و کلاه و لباس و دستکش باشد و حالا حالاها این وضعیت ادامه خواهد داشت.»

مشتری داخل می‌آید و بعد از انتخاب ساندویچ می‌خواهد پول نقد پرداخت کند اما متصدی صندوق خواهش می‌کند که کارت بکشد. کارت را که می‌کشد وارد کردن قیمت و زدن رمز به عهده خود متصدی است تا کمترین تماس بین مشتری و وسایل داخل مغازه برقرار باشد: «تمام نایلون‌های ما هم ضدعفونی شده است. بچه‌ها هم یکسره دست‌شان را ضدعفونی می‌کنند.»

این از ظرف بزرگ الکل روی پیشخوان پیداست. راستی یادتان هست پیش از شیوع کرونا چند بار قبل از غذا دست خود را می‌شستید یا چقدر برایتان مهم بود که روند آماده شدن غذا را از نزدیک ببینید؟ همه این عادت‌ها بعد از کرونا به وجود آمده و به نظر می‌رسد دست کشیدن از آنها دیگر کار راحتی نباشد.

وارد کبابی کوچک خیابان مطهری می‌شوم؛ مردی با ماسک از پشت یخچال بیرون می‌آید. آنقدر ماسک تمیز و محکمی زده که با اولین نگاه حس خوبی به مشتری می‌دهد. البته این رعایت‌ها برای مجید که به قول خودش یک عمر بی خیال مریضی و میکروب و ویروس بوده راحت نیست. مجید صادقانه تعریف می‌کند که تا پیش از کرونا تمیزی میزها خیلی اهمیت نداشت چون هم مشتری زیاد بود و نمی‌رسید، هم اینکه اصلاً برای چه کسی اهمیت داشت؟ او می‌گوید: «همان اوایل خودم یک بار مریض شدم و فهمیدم باید جدی بگیرم وگرنه هر چه درمی‌آورم باید پول دوا و دکتر بدهم. از طرفی اگر هم این کار را نمی‌کردم، مشتری فرار می‌کرد.»

او که هنوز سرش شلوغ نشده با حوصله مرا به آشپزخانه می‌برد تا دستکش‌های مصرف شده بابت همین چند سیخ کباب صبح تا ظهر را نشانم دهد. نگاهی به داخل سطل زباله می‌اندازد، سرش را بالا می‌آورد و به چشمانم نگاه می‌کند و بعد می‌زند زیر خنده، انگار خودش هم این میزان از رعایت پروتکل‌ها را باور ندارد.

بیرون روی صندلی می‌نشینیم و حرف به لبو و باقالی فروش و نوبری می‌افتد که به نظر حالا شغلی ناپدید شده می‌آید. مجید که تقریباً ۱۵ سال است اینجا کار می‌کند تعریف می‌کند که سید مرتضی را می‌شناخت که هر فصل روی گاری یک چیزی می‌فروخت: «دقیقاً بعد از عید ۹۹ و محدودیت‌ها دیگر خبری از او ندارم. شاید هم کرونا گرفته مرده آدم چه می‌داند.» دوتایی می‌نشینیم فکر می‌کنیم که آخرین باری که این فروشنده غذاهای خیابانی را دیده‌ایم کی بوده؟ مرتضی نگاهی به یخچال ویترینی پر از کباب می‌اندازد و با خنده می‌گوید: «عشق می‌کنی چقدر همه چیز مرتب است؟» حس می‌کنم تا آخر هم باور نکرده من خبرنگار هستم و پیش خودش فکر می‌کند از وزارت بهداشت برای سرکشی آمده‌ام.

روبه روی ساندویچی می‌ایستم و از پشت شیشه به آشپزی نگاه می‌کنم که با ماسک سه بعدی محکم و دستکش و کلاه مشغول در آوردن هات داگ از روغن و تفت دادن قارچ‌ها روی پنیر است. کمی آنطرف‌تر فرد دیگری با دستکش و ماسک داخل نان‌های ساندویچی کاهو گوجه و سس اضافه می‌کند تا آماده باشند. میز با الکی روی آن و دستگاه پز جلوی در قرار گرفته و کسی اجازه داخل شدن ندارد اما می‌شود از بیرون همه چیز را دید. رضا که پشت دخل نشسته از کم شدن مشتری‌ها بعد از کرونا می‌گوید: «راستش هم قیمت‌ها بالا رفته و هم کرونا مشتری را کم کرده. هنوز نتوانسته‌ایم مانند ۲ سال پیش دخل بزنیم اما این روزها کمی اوضاع بهتر شده. خیلی‌ها که می‌آیند می‌گویند بعد از دو سال آمده‌اند از مغازه خرید کنند.» یکی از مشتری‌ها که روبه‌روی مغازه، بر لبه باغچه کوچک نشسته سر حرف را باز می‌کند و می‌گوید: «من خودم الان دومین بار است آمده‌ام ساندویچ بخرم دیگر از وقتی دورکاری‌ها برداشته شد و آمدیم سر کار، برگشتیم به روال سابق و مجبورم بیایم از بیرون غذا بخریم. راستش خیلی حس خوبی ندارم ولی همین که می‌بینم فروشنده‌ها رعایت می‌کنند حالم بهتر می‌شود. امروز رفتم از بالای خیابان نیلوفر همه غذاخوری‌ها را یکبار چک کردم تا مطمئن شوم کدام از همه تمیزتر است و بالاخره این یکی که همه‌چیزش دیده می‌شد به چشمم آمد.»

فروشنده که مشغول شنیدن حرف‌های ماست می‌گوید روزی که این کار را شروع کردیم و مغازه را دکور زدیم اینکه همه داخل مغازه و جزئیات را ببینند خیلی مورد قبول باقی مغازه‌دارها نبود: «حالا با شیوع کرونا این شده برگه برنده. تا امروز چند نفری این جمله را گفته‌اند که همین دیدن همه روند پخت و پز باعث شده مشتری شوند.»

این روزها نگاهم دنبال چرخی‌ها و فروشنده‌های خیابانی اغذیه بود و به خیلی از نقاط تهران سرک کشیدم واقعاً دیگر حتی یکی از آنها را هم ندیدم. اگر هم جایی باشند فکر نمی‌کنم کار و بارشان سکه باشد؟ کرونا خیلی از شغل‌ها را ناپدید کرد و یا سبک شان را تغییر داد. تغییراتی که دامنه لااقل پاره‌ای از آنها به سال‌های پس از کرونا هم خواهد کشید.

عکس: آتا
بازگشایی رستوران‌ها و اغذیه فروشی‌ها

> من خودم الان دومین بار است آمده‌ام ساندویچ بخرم دیگر از وقتی دورکاری‌ها برداشته شد و آمدیم سرکار، برگشتیم به روال سابق و مجبورم بیایم از بیرون غذا بخریم. راستش خیلی حس خوبی ندارم ولی همین که می‌بینم فروشنده‌ها رعایت می‌کنند حالم بهتر می‌شود. امروز رفتم از بالای خیابان نیلوفر همه غذاخوری‌ها را یکبار چک کردم تا مطمئن شوم کدام از همه تمیزتر است و بالاخره این یکی که همه‌چیزش دیده می‌شد به چشمم آمد

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۷۹۱

آسان

				۵			۲	
		۳	۹		۸			
		۲	۴		۶			۹
	۱	۸	۶					۳
۳	۲			۴				۶
۴				۱	۲	۹		
۷	۶		۳		۹	۵		
			۷		۴	۹		
	۳			۱				

متوسط

	۵			۱	۶			۳
	۷		۵		۲		۶	۱
					۴	۹	۵	
		۷				۶		
۴			۲		۳			۸
		۵				۲		
	۴	۹	۸					
۷	۶		۳		۹		۱	
۵			۱	۴			۹	

سخت

		۴		۸				۶
۱	۵					۴		
	۳			۱				
			۸					۳
۸		۶		۲		۹		۱
۳			۷					
			۴			۵		
	۷					۲	۹	
۹			۵			۷		

خیلی سخت

۵	۷						۹	
	۲			۸				
			۲	۹		۱		
						۶	۳	۲
	۱					۴		
۸	۵	۶						
	۲		۷	۳				
		۱			۵			
	۴					۶	۳	

حل جدول سودوکو شماره ۳۷۹۱

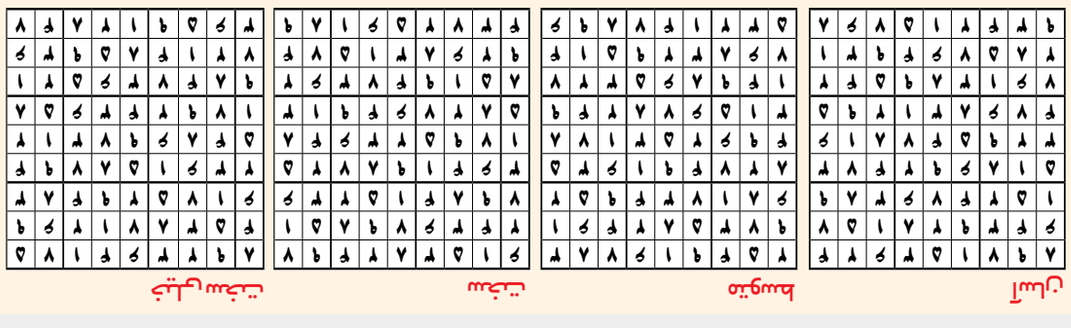

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۷۶۰

جدول عادی

افقی:
۱- از ملزومات تهیه چای- بنایی باشکوه و تاریخی در «قم»
۲- سنگ گرانبهای سبزرنگ- شجاع- سنگ طلق
۳- گازی گلخانه‌ای که به‌عنوان سوخت به کار می‌رود- موشواره- رودطولانی اروپا
۴- خودداری از خوردن- ضمیر جایگزین- وسیله‌ای کوچک برای نواختن ساز
۵- نیمه دیوانه- درون محدوده- زحمت و گرفتاری- نت میلی
۶- یک زبان برنامه‌نویسی شیءگرا- تمدنی کهن- بعد از «ل»
۷- یقه آهارزده- به آخر رسیده- مقابل «مقصد»
۸- کثرت آمد و شد- امر به آمدن- مادر زبان‌های اروپایی
۹- مقابل «کلی»- شهر «کیوی»- اثر آلودگی بر جامه
۱۰- اصطلاحی در عکاسی- درمان- همسایگی
۱۱- انبار ته کشتی- عضو شنای ماهی- با «درهم» آید- من وشما
۱۲- شترماده- شکل لباس- گذرگاه کسب و کار
۱۳- الهه نوریونان- جواب- گرفتگی زبان
۱۴- مدرن- پول خرد «فرانسه»- آینده
۱۵- پادشاه ساسانی- جلگه و صحرا

عمودی:
۱- مسابقه در حال پخش شبکه سه با مجری گری «رضا رشیدپور»- کرکری
۲- فراگیرنده- لایه‌ای در جو- دوردهان جانور
۳- ورم، برآمدگی- جمع جریمه- مژده
۴- قضاوت مغرضانه- از مرکبات
۵- چاشنی گوجه‌ای- مقعر- کارد
۶- نشانه فعلی جمع- نپخته- شیفته- احداثش باعث رونق کشاورزی است
۷- غارت- فرزند نتیجه- دیروقت
۸- از مردم هرات- کشمکش، مشاجره- لولای پا!
۹- بچه ننه!- سوغات قم- از اعداد ترتیبی
۱۰- عدد ورزشی- دارای جراحت در بدن- دوری- مشک آب
۱۱- پسرنیست- بخشش- مخفف ماه
۱۲- همگی- لبریزو پر
۱۳- شهری حومه لاریجان آمل- نوآور- بیماری فصل سرما
۱۴- سازمان اقتصادی منطقه‌ای- سرزمینی باستانی- لباسی زنانه
۱۵- آشفته و درهم- نام کوچک «اسکورسیزی»

جدول ویژه

افقی:
۱- نویسنده «کیمیای سعادت»- به‌عنوان منبع تولید حرارت و انرژی گرمایی در آزمایشگاه از آن استفاده می‌شود
۲- شرکت خودروساز فرانسوی- فیلم «محسن قرایی»- تیم اسپانیایی
۳- مایه دردسر- اداره کننده- از رگ‌های مهم بدن
۴- شهر «سوئیس»- گوشت آذری- رام کردن
۵- متضاد «ماده»- سوی راست- اسب دوانی- فلزهادی
۶- شادمان- خراش و آسیب- ورزش خیس!
۷- دورافتاده- فارسی زبان- کم
۸- نهایی- سوهان کاردتیزکنی- گرمابخش فصل سرما
۹- گیاهی دارویی- نمایشگاه نقاشی- کوهه
۱۰- رشته شمشیربازی- پاکدامنی- فراوانی
۱۱- دهان کجی- سنگ معدنی- گوشه‌نشینی- رنجوری
۱۲- چست و چابک- فتنه‌جو- صفت‌های فردی
۱۳- عامل بیماری‌ابدز- واقف- نویسنده
۱۴- افزونه پول- فیلم «همایون اسعدیان»- مراقب
۱۵- از صنایع دستی قدیمی بوشهر- رایانه نسبتاً سبک

عمودی:
۱- غرغر- شهری در «آلمان»
۲- حشره نیشدار- پی درپی- همدم
۳- نغمه- پوست تیره شده- دانش آموز درس خوان
۴- مجلس آلمان- پایتخت ژاپن درگذشته
۵- تصدیق فرنگی- سطح وظاهر ساختمان- میوه خام
۶- خون- پرستش- شهری کوهستانی از توابع آمل- خزیدن روی زمین
۷- ساک مسافرتی- دومین روزنامه پرتیراژ جهان- تصدیق علمی
۸- زیردست ارباب- شرمساری- عالی، عجیب
۹- میغ- کشاورز- مؤلف «لَمَعات»
۱۰- آواز قورباغه- دستگاهی جهنده که به فضا پرتاب می‌شود- درنده جنگلی- سعی
۱۱- هر قطعه از شطرنج- پیکان- دلیر
۱۲- فکر تردید آمیز یا آزاردهنده- درهم کشیدگی چهره و ابرو
۱۳- گلر تیم ملی «آلمان»- چیزی که روی آب حرکت کند- گفت‌وگو
۱۴- تحت- نوشته شده- پایدار
۱۵- استانی در «ژاپن»- استاندار ایران قدیم

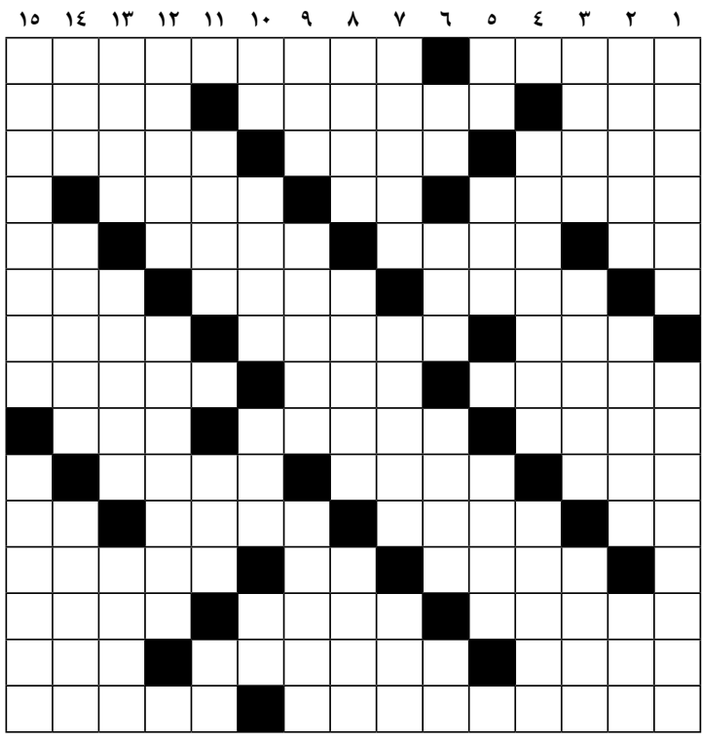

حل جدول عادی شماره ۷۷۵۹

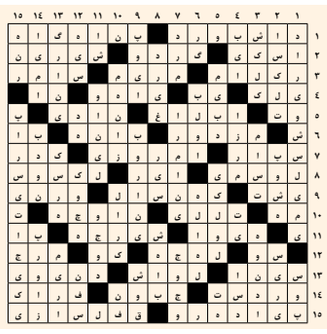
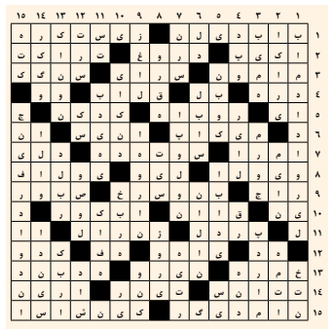
حل جدول ویژه شماره ۷۷۵۹